

عدالت اجتماعی و قرآن

نوع مقاله: پژوهشی

مرتضی عزتی^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱/۱۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۳/۹

چکیده

یکی از واژه‌های پرطرفدار امروزیین عدالت اجتماعی است. از دیرباز واژه عدالت جایگاه ویژه‌ای در فلسفه و حکومت‌داری داشته و گستره وسیعی از مباحث درباره آن مطرح شده است. به علت ویژگی‌های مختلف عدالت برای آن انواع و ابعادی مطرح کرده‌اند. یکی از مفهومی‌های پر کاربرد در این زمینه، عدالت اجتماعی است. عدالت اجتماعی مفهومی است که در سه سده گذشته به ویژه با دیدگاه‌های سوسیالیستی ساخته شد و با تعریف‌های ایدئولوژیک انحرافی توسعه داده شد. دیدگاه‌های سوسیالیستی مفهوم عدالت را منحرف کرد و از مبناهای سنتی آن که مانند رعایت و دادن حق افراد، رعایت شایستگی‌ها و رعایت انصاف بود، دور کرد و در عمل به گرفتن حق برخی صاحبان حق و دادن آن به برخی که صاحب آن نیستند تبدیل شد. با وجود صراحت عدالت قرآنی به عنوان عدالت فردی در رفتار با دیگران برخی کوشیده‌اند با توجیه‌هایی غیرمستند، عدالت اجتماعی را به اسلام تعمیم دهند. این در حالی است که با بررسی قرآن در می‌یابیم که مفهوم رایج عدالت اجتماعی با عدالت قرآنی ناسازگار است. اگر بخواهیم عدالتی اجتماعی با نگاه اسلامی مطرح کنیم بی شک چیزی متفاوت از عدالت اجتماعی با معنای رایج خواهد بود. این بررسی با روش تحلیل معناشناسی واژه عدالت در قرآن، ۳ بعد اصلی موضوع، هدف و فاعل عدالت قرآنی را استخراج و با تطبیق به مقایسه این ۳ بعد در عدالت قرآنی و عدالت اجتماعی با معنای رایج به‌پردازد. نتیجه اینکه عدالت قرآنی با عدالت اجتماعی با معنای رایج امروزیین در هر ۳ بعد متفاوت است.

واژگان کلیدی: عدالت، قرآن، عدالت اجتماعی، اخلاق، اقتصاد.

طبقه‌بندی JEL: D63, E24, E25, H24

مقدمه

بسیاری از اندیشمندان به عدالت پرداخته‌اند. در بسیاری از نوشته‌های بشری کوشش شده است به گونه‌ای به آن پرداخته شود و درباره آن کتاب‌ها، مقاله‌ها و دیدگاه‌های بسیاری منتشر شده است. افزون بر این در کتاب‌های آسمانی به ویژه قرآن نیز به آن پرداخته شده است. بسیاری از اندیشمندان تحت تاثیر برداشت‌های شخصی، دانش، تخصص، تجربه، موقعیت اجتماعی و اقتصادی، شرایط جامعه، سطح درک، فضای سیاسی و اجتماعی و مانند اینها درباره عدالت نظر داده‌اند. قرآن نیز به سبک و ساختار دین الهی به آن پرداخته است. از این‌رو آنچه در قرآن آمده است نشان می‌دهد برداشت‌ها و دیدگاه‌های بسیاری از اندیشمندان با آن هماهنگی و سازگاری ندارد. به ویژه هنگامی که عدالت اجتماعی مطرح می‌شود، تفاوت دیدگاه‌های اندیشمندان، به ویژه اندیشمندان مسلمان با قرآن بیشتر نمایان می‌شود. از آنجا که بسیاری از اندیشمندان تلاش دارند دیدگاه خود را توجیه کنند، به ناحق به برخی آیه‌های قرآن استناد می‌کنند و دیدگاه خود را اسلامی می‌نامند. در این مقاله کوتاه کوشش می‌شود عدالت ۳ بعد اصلی عدالت یعنی موضوع، هدف یا پیامد و فاعل (مجری) عدالت در قرآن و در مفهوم عدالت اجتماعی رایج استخراج و در کنار هم قرار گیرد و یک تحلیل مقایسه‌ای ارایه شود تا مغایرت برداشت این دو روشن‌تر شود.

در بخش نخست پیشینه در ۴ بخش بررسی‌های عدالت در قرآن، انواع عدالت در دیدگاه‌های رایج، چیستی عدالت اجتماعی و تعریف عدالت اجتماعی از سوی برخی قرآن پژوهشان ارایه می‌شود. سپس ابعاد ۳ گانه عدالت اجتماعی در مفهوم رایج اشاره می‌شود. آنگاه ابعاد عدالت در قرآن برپایه روش معناشناسی استخراج و ارایه می‌شود. سپس یک تحلیل مقایسه‌ای میان ابعاد عدالت اجتماعی رایج و عدالت قرآنی ارایه می‌شود.

۲. نگاهی به پیشینه عدالت در قرآن

در زمینه عدالت دیدگاه‌ها و بررسی‌های بسیار گسترده‌ای انجام شده است. در زمینه عدالت در اسلام نیز بررسی‌ها گسترده هستند. بیشتر اندیشمندان مسلمان در باره عدالت نظر داده‌اند. در باره عدالت در قرآن نیز بررسی‌های قابل توجهی شده است. در اینجا نگاهی به بررسی‌های منتشر شده در سال‌های اخیر درباره انواع عدالت، ابعاد عدالت و عدالت اجتماعی در قرآن خواهیم داشت. فخر زارع (۱۳۹۸، ۷-۲۸) بیان می‌کند قرآن رابطه ناگسستگی عدالت با حق و آزادی را همواره مورد توجه قرار داده است. حق به عنوان معیار مهم عدالت است و آزادی تامین کننده زمینه گسترش آن است.

خوش‌فر و رحمانی (۱۴۰۰، ۴۱-۵۷) به این نتیجه می‌رسند که در قران عدل الهی در دو بخش اصلی شامل یک قبح ظلم به حکم عقل و محال بودن صدور قبیح از جانب خداوند است و دیگری سنت که شامل قضاوت الهی بر اساس حق و عدالت قرار گرفته است. انواع عدل الهی نیز شامل عدل تکوینی (به حق خلق کردن عالم)، عدل تشریعی (نفی تکلیف خارج از توان انسان‌ها) و عدل جزایی (محفوظ بودن پاداش و جزای انسان‌ها متناسب با عمل‌شان) است.

اسکی و همکاران (۱۳۹۹، ۶۹-۸۴) عدالت اجتماعی در قران را دارای ۳ بعد می‌دانند: برابری از مهمترین ابعاد و بلکه اصلی‌ترین معنای عدالت است. بعد دیگر قانون‌مندی است. توازن بعد سوم است. توازن با توزیع عادلانه ارتباط بسیار دارد.

عربشاهی کریزی (۱۳۹۵، ۱۰۹-۱۳۲) در بررسی عدالت در قران، عدالت را دارای ۵ سطح می‌داند: عدالت در سطح فردی، عدالت در سطح نظام هستی، عدالت در سطح خداوند، عدالت در سطح قانون‌گذاری و عدالت اجتماعی می‌داند.

عزتی (۱۳۹۳، ۲۰۵-۲۴۱). عدالت را بر مبنای قران به معنای دادن حق هر کسی به او در نظر گرفته و بر پایه این مفهوم حقوق همگانی مندرج در قانون اساسی جمهوری اسلامی را استخراج و بر پایه این حقوق شاخصی ترکیبی ساخته و برای ۸ سال محاسبه و تحلیل کرده است. عزتی (۱۴۰۳، ۱۱۱-۱۴۲) به بررسی عدالت در قران و ابعاد اقتصادی آن پرداخته و ابعادی از آن مانند ماهیت، موضوع، هدف و مبنای عدالت در قران را استخراج و ارایه کرده است و حق بر پایه معیارهای عرفی، وحی، توافق طرفین را در زمینه‌های مختلف در قران مبنای عدالت می‌داند و فاعل عدالت را خدا، پیامبر و دیگر انسان‌ها بیان می‌کند. همچنین عزتی (۱۴۰، ۳۱-۵۷) با بررسی قسط در قران و ابعاد اقتصادی آن، قسط را عدالت معیاردار بر مبنای حق افراد بر پایه عرف، وحی و توافق‌های طرفینی می‌داند.

حسینی (۱۳۹۰، ۱۴) عدالت را ۲ نوع بیان می‌کند: فردی و اجتماعی. عدالت فردی به رابطه فرد با خودش یا با خداوند متعال مربوط می‌شود که در فقه و اخلاق مورد بحث قرار می‌گیرد. در عدالت فردی سخن از عادل بودن فرد است؛ اما در عدالت اجتماعی هر نوع رفتار یا رابطه با دیگران که واجد معیار عدالت باشد، به طور مستقل متصف به عادلانه بودن می‌شود و در صورت فقدان آن ظالمانه نامیده می‌شود.

طباطبایی (۱۳۸۳، ج ۱۲، صص ۴۷۹-۴۸۰) در تفسیر آیه ۹۰ نحل می‌نویسد به هر حال هرچند عدالت به دو قسم منقسم می‌شود: یکی عدالت انسانی فی نفسه و یکی عدالت انسان نسبت به دیگران، یکی عدالت فردی، یکی عدالت اجتماعی. و نیز هرچند لفظ عدالت مطلق است و شامل هر دو قسم می‌شود، ولیکن ظاهر سیاق آیه این است که مراد از عدالت، عدالت اجتماعی است و آن

عبارت از این است که با هر یک از افراد جامعه طوری رفتار شود که مستحق آن است و در جایی جای داده شود که سزاوار آن است و این خصلتی اجتماعی است که فرد فرد مکلفین مامور به اجرای آنند. به این معنا که خدای سبحان دستور می‌دهد هر یک از افراد اجتماع عدالت را بیاورند. و لازمه آن این می‌شود که امر متعلق به مجموع نیز بوده باشد. پس هم فرد فرد مامور به اقامه این حکمند و هم جامعه که حکومت عهده دار زمام آن است. البته طباطبایی ادامه آیه را فردی و در چارچوب وظیفه و سفارش به فرد تفسیر می‌کند. بیشتر نویسندگان و پژوهشگرانی که کوشش کرده‌اند عدالت اجتماعی را به قرآن نسبت دهند به همین مطالب استناد کرده‌اند و تعریفی مشابه طباطبایی ارائه کرده‌اند.

۳. انواع عدالت

برای عدالت دسته‌بندی‌های مختلفی متناسب با جنبه‌های متفاوت آن ارائه شده است. به برخی از این دسته‌بندی‌ها اشاره می‌شود. یک دسته‌بندی انواع عدالت را به ۳ نوع تقسیم می‌کند: فردی، اجتماعی و الهی. (مطهری، ۱۴۰۳، ۱۵۶). مطهری در جای دیگر عدالت را به تکوینی و تشریعی تقسیم می‌کند و عدل در تکوین از وضع الشیء فی موضعه به دست می‌آورد. این بخش به خلقت امور بازمی‌گردد و عدل در خلقت است. (مطهری، ۱۳۵۷، ۶۰). عدل در تشریع را در اعطاء کل ذی حق حقه می‌داند که به اعمال خارجی برمی‌گردد و می‌نویسد: عدل تشریعی یعنی اینکه در نظام جعل و وضع و تشریع قوانین، همواره اصل عدل، رعایت شده و می‌شود (مطهری، ۱۳۵۷، ۳۶).

انواع عدالت اجتماعی در دو دسته: عدالت توزیعی (پیامدی) و عدالت رویه‌ای. عدالت توزیعی ناظر به تکالیف دولت در برابر مردم است و چگونگی توزیع مشاغل، مناصب و اموال عمومی را معین می‌کند. لیند و تیلر (۱۹۸۸) عدالت رویه‌ای را به منزله رعایت عدالت در فراگردهایی تعریف می‌کنند که توسط آنها، پیامدها تخصیص می‌یابند (هزار جریبی، ۱۳۹۰، ۴۱-۶۲).

هولمز (۱۳۸۲، ۲۹۴) انواع عدالت: ۱. جبرانی (مجازات یا مطالبه خسارت) ۲. رویه‌ای (ساختارها و روابط). ۳. توزیعی (پیامدی) (عربی، ۱۳۹۵، ۲).

رالز (۱۹۷۱، ص ۸۵-۹۰) عدالت رویه‌ای را ۳ نوع می‌داند: ۱. ناقص (رویه‌ها به گونه‌ای تنظیم شوند که بیشترین احتمال عادلانه بودن نتیجه فراهم شود. روش تضمین نتیجه وجود ندارد). ۲. کامل (رویه‌ای باشد که هم تقسیم عادلانه و هم تضمین نتیجه عادلانه بودن وجود داشته باشد. یعنی همه بپذیرند عادلانه بوده است). ۳. محض (ایجاد توافق بین همه بر رویه عادلانه) (عربی، ۱۳۹۵، ۸-۹).

عربی (۱۳۹۵، ۷-۸) انواع عدالت توزیعی را در ۳ دسته بیان می‌کند: ۱. قالبی (پذیرش و اجرای یک چارچوب ساده توزیعی مانند برابری درآمد همه). ۲. گزینشی (تعریف یک یا چند اصل به عنوان معیار توزیع مانند کار انجام داده، نیاز و شایستگی). ۳. رویه‌ای (یک رویه تعریف شود که نتیجه عادلانه می‌دهد آن رویه اجرا شود. مانند ایجاد فرصت‌های برابر).

۴. چیهستی عدالت اجتماعی

برای عدالت اجتماعی تعریف‌های مختلفی ارائه شده است. با این وجود امروزه در فلسفه، علوم اجتماعی و اقتصاد یک توافق مشترک درباره چارچوب کلی آنچه باید از تعریف آن انتظار داشت، وجود دارد. نگاهی به برخی تعریف‌های آن می‌تواند بسیاری از جنبه‌های آن را روشن کند. رالز (۱۳۸۷، ۱۱۰) عدالت در اجتماع آن است که توزیع خیرهای اجتماعی برپایه دو اصل باشد: یک، هر شخص باید حق برابری نسبت به گسترده‌ترین آزادی‌های اساسی سازگار با آزادی مشابه دیگران داشته باشد و دو، نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی به گونه‌ای سازماندهی شوند که به سود همگان و وابسته به مشاغل و مناصبی باشد که دسترسی به آن برای همگان ممکن است. برایان بری (۱۹۸۹، ۱۴۶) می‌نویسد عدالت اجتماعی به‌طور عمده پیش‌بینی ساختارهای اساسی یک جامعه است، این ساختارها از نهادهایی که با همدیگر دستیابی اعضای جامعه را به منابعی که خود ابزار کسب رضایتمندی در گستره خواسته‌های متفاوت هستند، مشخص می‌کند. (لشکری، ۱۳۹۴، ۱۷).

ارتور و شاو (۱۹۹۱، ۴-۵) بیان می‌کند عدالت اجتماعی به ساختار خط‌مشی‌های یک جامعه در رابطه با نهادهای سیاسی، حقوقی، اقتصادی و اجتماعی آن اشاره دارد (عربی، ۱۳۹۵، ۳). لینچ (۱۳۷۶، ۲۹۸) بر این نظر است که به طور کلی عدالت یک امر ذهنی است و به معنای آن است که هر فرد باید از حق دستیابی به نیازهای اساسی حیاتی بهره‌مند باشد. غنی نژاد (۱۳۷۹، ۹-۲۲) بر این نظر است که عدالت اجتماعی گویای توزیع عادلانه امکانات و ثروت میان افرادی است که طبق تعریف دارای حقوق برابر هستند. در تعریف دیگری عدالت اجتماعی یعنی کاربرد مفهوم عدل توزیعی نسبت به ثروت، دارایی، امتیازات و مزیت‌هایی که در یک جامعه انباشته شده است (آقابخشی و افشاری راد، ۱۳۷۴، ۳۱۷).

تعریف عدالت اجتماعی از سوی برخی قران پژوهشان

در واقع عدالت اجتماعی، رعایت استحقاق طبیعی و واقعی یا فراهم آوردن بستر شکوفایی و رشد استعدادهای انسانی در جریان تکامل یا ایجاد توازن اجتماعی و برقراری فرصت برابر، برای تمام آحاد جامعه است. (فخر زارع، ۱۳۹۸، ۷-۲۸)

حسینی (۱۳۹۰، ۱۴) ابداع اصطلاح عدالت اجتماعی در دوران اخیر به این جهت است که لفظ عدالت مطلق است و شامل حالتها و روابط انسان با خودش فی نفسه، طبیعت، خداوند متعال و دیگران میشود. اقتضای عدالت در هر یک از این حوزه‌ها با یکدیگر متفاوت است. عدالت اجتماعی به مواردی از کاربرد عدالت که به حوزه روابط متقابل میان افراد با یکدیگر یا با دولت مربوط است اطلاق می‌شود.

عدالت اجتماعی یعنی در جامعه شرایط و زمینه‌هایی وجود داشته باشد که افراد بتوانند در شرایطی مساوی به آنچه مستحق آن می‌باشند و با تلاش و لیاقت به آن رسیده‌اند، دست یابند. به بیان دیگر عدالت اجتماعی ارزشی است که با فراگیر شدن آن، جامعه دارای زمینه‌هایی میگردد که افراد به حق خود میرسند و امور جامعه، به تناسب و تعادل در جای بایسته خویش قرار می‌گیرند (قاسم‌پور راوندی، ۱۴۰۱، ۱-۲۹).

مطهری (۱۴۰۳، ۱۵۶) عدالت مطلق، عبارت است از اعطای کل حق به ذی حق، اما مساوات و توازن و غیره مربوط است به عدالت اجتماعی، یعنی عدالتی که افراد از آن جهت که در اجتماع زندگی می‌کنند باید داشته باشند. عدالت اجتماعی به معنای رعایت مساوات در جعل قانون و اجرای آن است. نه به معنی آنکه کاری کنیم که همه افراد در یک سطح بمانند و در یک درجه از مواهب خلقت استفاده کنند.

طباطبایی (۱۳۸۳، ج ۱۲، ۴۷۹) عدالت اجتماعی را این‌گونه مطرح می‌کند: عبارت از این است که با هر یک از افراد جامعه طوری رفتار شود که مستحق آن است و در جایی جای داده شود که سزاوار آن است و این خصلتی اجتماعی است که فرد فرد مکلفین مأمور به اجرای آنند.

۵. سه بعد اصلی عدالت اجتماعی در دیدگاه‌های رایج

می‌توان به روشنی دریافت که برداشت‌ها و تعریف‌ها از عدالت اجتماعی از قران نزد اندیشمندان مسلمان و قران پژوهان بسیار کتفات از تعریف‌های رایج عدالت اجتماعی است. با بر پایه تعریف‌های موجود درباره عدالت اجتماعی می‌توان ۳ بعد اصلی عدالت اجتماعی در دیدگاه‌های رایج را چنین بیان کرد:

۱. موضوع عدالت اجتماعی: توزیع منافع/ فرصت‌ها/ درآمد

۲. هدف عدالت اجتماعی: برابری منافع و فرصت‌ها

۳. فاعل یا مجری عدالت اجتماعی: دولت/ حکومت

از این جهت دیدگاه‌های رایج معیار ارایه این ۳ بعد هستند که مفهوم عدالت اجتماعی امروزی در دیدگاه‌های رایج مطرح شده است و سپس برخی اندیشمندان مسلمان و پس از آنها قرآن پژوهان به آن پرداخته‌اند

۶. سه بعد اصلی عدالت در قرآن

در اینجا برای درک بهتر مفهوم عدالت و ابعاد آن از هم‌نشین‌های واژه عدل به معنای عدالت در قرآن یاری گرفته شده است. در قرآن در ۱۸ آیه واژه عدل به معنای عدالت به کار رفته است که ۲۱ تکرار دارد. این هم‌نشین‌ها می‌تواند ابعاد مختلف عدالت را روشن کنند. برپایه آنچه در قرآن درباره عدالت آمده است ابعاد اصلی عدالت در قرآن برای آیه‌هایی که عدل را به معنای عدالت به کار برده‌اند در جدول یک ارایه شده است. بر این پایه مولفه‌های معنایی عدل در قرآن که ابعاد سه‌گانه عدالت را نشان می‌دهند در زیر توضیح داده شده‌اند. در برخی آیه‌ها این سه بعد روشن هستند، ولی در برخی آیه‌ها تنها برخی از این سه بعد به روشنی بیان شده‌اند. از این‌رو در هر یک که اینها روشن نیستند، جای آن بعد در آیه یاد شده خالی گذاشته شده است. علت روشن نبودن اینها نیز مشخص است که در هر یک از آیه‌های قرآن به فراخور موضوع آیه نکته‌هایی از موضوع بیان شده است و به تناسب از عدالت نیز اشاره‌ای شده است.

۶-۱. موضوع عدالت: رعایت حقوق دیگران از سوی هر فرد

آنچه در برداشت از قرآن درباره یک مفهوم که یک کار یا ویژگی کار دانسته می‌شود مهم است، این است که آن کار در چه زمینه‌ای انجام می‌شود. اگر در قرآن تأمل کنیم می‌توانیم موضوع عدالت را کارهای زیر بدانیم: رعایت حقوق دیگران، مانند همسران و یتیمان، شهادت دادن درست (برابر حق)، دادن حکم درست (برابر حق) برای جزای کار حرام، آفرینش انسان، اصلاح بین دو طایفه، حکم میان مردم، نوشتن قرارداد و سخن گفتن. یعنی بر پایه قرآن، این کارها موضوع‌های مصداقی عدالت است که باید دانسته شود، درباره آنها و مانند آنها عدالت رعایت شود.

موضوع ۷ آیه (۸ تکرار) (۷ انفطار، ۸ مائده، ۱۵۹ اعراف، ۹۰ نحل، ۱۸۱ اعراف، ۹ حجرات و ۱۵ شوری) عدالت کلی است که در این آیه‌ها موضوع ویژه‌ای برای عدالت مطرح نشده است، عدالت کلی مطرح شده است، مانند دستور خدا برای انجام عدالت و عدالت برپایه حق انجام می‌شود.

موضوع ۲ آیه عادلانه بودن یکی سخن گفتن انسان (۱۵۲ انعام) است به دنبال بیان قسط اقتصادی و یکی سخن خدا (۱۱۵ انعام) است. اگر در سخن گفتن نیز تاکید شده است عدالت کنید، روشن است که سخن گفتن اخلاقی و فردی است.

موضوع ۲ آیه (۳ تکرار) (۹۵ مائده و ۵۸ نساء) حکم دادن میان مردم و تعیین مصداق حکم خدا و حکم عادلانه جایگزین است. در حکم دادن نیز چنین است که فرد صادر کننده حکم باید در حکم دادن عدالت کند.

موضوع ۳ آیه (۲ طلاق و ۹۵ و ۱۰۶ مائده) شهادت دادن است یکی شاهد طلاق و یکی شاهد وصیت که هر دو بعد اقتصادی بالایی دارند. همچنین افراد عادل را به شهادت بگیرید. موضوع یک آیه (۱۳۵ نساء) نیز منافع شخصی را مانع شهادت به قسط است. همه اینها نیز اخلاق محور و فردی است.

موضوع یک آیه (۷۶ نحل) فایده‌مندی آمر به عدالت است. در برابر انسان ناتوان است که مقایسه بین فردی است که مقایسه بین فردی است.

موضوع ۳ آیه (۴ تکرار) عدالت اقتصادی است. ۲ آیه (۳ نساء و ۱۲۹ نساء) دادن حق اقتصادی همسران و یتیمان و در یک آیه (۲۸۲ بقره) یک بار نوشتن توافق اقتصادی و یک بار دیکته کردن حقوق اقتصادی فرد یتیم برای نوشتن قرارداد یا توافق اقتصادی است. در آیه ۲۸۲ بقره به نویسنده گفته شده است بر پایه عدالت بنویسید. در ادامه نیز گفته شده است که در دیکته کردن متن توافق نیز عدالت را رعایت کنید. به ویژه آنکه گفته شده است بدهکار متن را دیکته کند. همه نکته‌های اخلاقی است و به فرد تاکید دارند.

۲-۶. هدف عدالت: رسیدن حق به صاحب آن

می‌توان گفت رفتاری عادلانه است یا به سخن دیگر به کاری می‌توان ویژگی عادلانه بودن را داد که در انجام آن کار حق هیچ کس از او گرفته نشود و زمینه‌ای برای پایداری شدن حق هیچ کسی یا انتقال حق کسی به دیگران فراهم نشود. این نکته که رفتار عادلانه رفتاری است که بر پایه رعایت حق انجام شود در دو آیه ۱۵۹ و ۱۸۱ سوره اعراف به صراحت بیان شده است. این مفهوم در جاهای دیگر به ویژه در جاهایی که قرآن، شهادت درست یا نوشتن درست توافق‌ها را رفتار عادلانه می‌داند. مانند آیه‌های ۲۸۲ بقره، ۱۰۶ مائده و ۲ طلاق به روشنی دیده می‌شود. این نکته که مبنای عدالت رعایت حق افراد است در موضوع‌هایی که قرآن برای عدالت در نظر گرفته است، بسیار روشن است. مفهوم‌های هم‌نشین با عدالت نیز در کنار اینها رعایت حق بودن عدالت را تاکید می‌کنند.

۶-۳. فاعل عدالت: یک وظیفه فردی

در قرآن انجام دهنده (فاعل) کاری (فعلی) که می‌تواند ویژگی عادلانه بودن را داشته باشد، کیست؟ خدا خود را فاعل آن دانسته و انسان به ویژه انسان‌های مومن و با تقوا را فاعل کار عادلانه می‌داند (طلاق ۲، مائده ۹۵، مائده ۱۰۶، انفطار ۷ و مانند اینها). و در آیه‌های ۳ نساء و ۱۲۹ نساء و ۲۸۲ بقره که موضوع اقتصادی دارند به مسلمانان سفارش شده است عدالت کنند. در آیه ۱۵ شورا نیز پس از دستور به استقامت و پیروی نکردن از هوای نفس، به شخص پیامبر دستور داده شده است که بین مردم به عدالت حکم بدهد. دقت شود در هیچ یک از این آیه‌ها، حکومت هیچ جایگاهی ندارد. در همه آیه‌ها فاعل فرد یا نوع افراد هستند.

جدول ۱. سه بعد اصلی عدالت در آیه‌های قرآن

سوره آیه	متن قرآن / معنا، هم‌نشین‌ها و ابعاد		
طلاق ۲	فَإِذَا بَلَغَ الْأُولَىٰ أَجَلَهُنَّ فَأَمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ أَوْ فَارِقُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ وَأَشْهِدُوا ذَوَىٰ عَدْلٍ مِّنْكُمْ وَأَقِيمُوا الشَّهَادَةَ لِلَّهِ ذَٰلِكُمْ يُوعَظُ بِهِ مَن كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَمَن يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا		
	فاعل	موضوع	هدف اجرا
	انسان	شاهد عادل باشد، شهادت طلاق یا توافق بر زندگی	شهادت بر حق و به عدالت
مائده ۹۵	يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْتُلُوا الصَّيْدَ وَأَنْتُمْ حُرْمٌ وَمَن قَتَلَ مِنْكُمْ مَّتَعَمَدًا فَجَزَاءٌ مِّثْلُ مَا قَتَلَ مِنَ النَّعَمِ يَحْكُمُ بِهِ ذَوَا عَدْلٍ مِّنْكُمْ هَدْيًا بَالِغَ الْكَعْبَةِ أَوْ كَفَّارَةٌ طَعَامُ مَسَاكِينَ أَوْ عَدْلٌ ذَٰلِكَ صِيَامًا لِّيَذُوقَ وَبَالَ أَمْرِهُ عَفَا اللَّهُ عَمَّا سَلَفَ وَمَن عَادَ فَيَنْتَقِمِ اللَّهُ مِنْهُ وَاللَّهُ عَزِيزٌ ذُو انتِقَامٍ		
	فاعل	موضوع	هدف اجرا
	مومنان	تعیین مصداق حکم جزای کار حرام، جزای جایگزین عادلانه	تنبیه خطا کار با معیار عدالت
مائده ۱۰۶	يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا شَهِادَةُ بَيْنِكُمْ إِذَا حَضَرَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ حِينَ الْوَصِيَّةِ اثْنَانِ ذَوَا عَدْلٍ مِّنْكُمْ أَوْ آخَرَانِ مِّنْ غَيْرِكُمْ إِنْ أَنْتُمْ ضَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ فَأَصَابَتْكُمْ مُصِيبَةُ الْمَوْتِ تَحْسِبُونَهُمَا مِنْ بَعْدِ الصَّلَاةِ فَيُقْسِمَانِ بِاللَّهِ إِنِ ارْتَبْتُمْ لَا نَشْتَرِي بِهِ ثَمَنًا وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَىٰ وَلَا نَكْتُمُ شَهِادَةَ اللَّهِ إِنَّا إِذًا لَّمِنَ الْآثِمِينَ		
	فاعل	موضوع	هدف اجرا
	مسلمان یا هر انسان	شاهد عادل باشد، شهادت، وصیت مرده	تحقق حقوق وارثین
انفطار	الَّذِينَ خَلَقَكُمْ فَتَمِّمُوا لَهُمْ مَا يَفْعَلُونَ		
	فاعل	موضوع	هدف اجرا

سوره آیه	متن قرآن / معنا، هم‌نشین‌ها و ابعاد		
۷	خدا	عدالت در آفرینش انسان	تحقق حق انسان در خلقت
مائده ۸	يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ		
	فاعل	موضوع	هدف اجرا
	مومنان	شهادت به قسط، برای خدا، عدول از شهادت درست	شهادت درست و واقع
اعراف ۱۵۹	وَمِنْ قَوْمٍ مُّوسَىٰ أُمَمٌ يَّهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ		
	فاعل	موضوع	هدف اجرا
	افرادی از قوم موسی	عدالت بر پایه حق	تحقق حق
نحل ۹۰	إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ		
	فاعل	موضوع	هدف اجرا
	انسان	دستور خدا به عدل	
اعراف ۱۸۱	وَمِمَّنْ خَلَقْنَا أُمَّةً يَّهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ		
	فاعل	موضوع	هدف اجرا
	افرادی از مردم	عدالت به حق	تحقق حق
نحل ۷۶	وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا رَّجُلَيْنِ أَحَدُهُمَا أَبْكَمُ لَا يَقْدِرُ عَلَىٰ شَيْءٍ وَهُوَ كَلٌّ عَلَىٰ مَوْلَاهُ أَيْنَمَا يُوَجِّههُ لَا يَأْتِ بِخَيْرٍ هَلْ يَسْتَوِي هُوَ وَمَنْ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَهُوَ عَلَىٰ صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ		
	فاعل	موضوع	هدف اجرا
	یک انسان	دستور انسان به عدالت،	
نساء ۵۸	إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ إِنَّ اللَّهَ نِعِمَّا يَعِظُكُمْ بِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ سَمِيعًا بَصِيرًا		
	فاعل	موضوع	هدف اجرا
	مومنان	حکم میان مردم دستور خدا	
حجرات ۹	وَإِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلَحُوا بَيْنَهُمَا فَإِنْ بَغَتْ إِحْدَاهُمَا عَلَى الْأُخْرَىٰ فَقاتِلُوا الَّتِي تَبْغِي حَتَّىٰ تَفِيءَ إِلَىٰ أَمْرِ اللَّهِ فَإِنْ فَاءَتْ فَأَصْلَحُوا بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ وَأَقْسِطُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ		
	فاعل	موضوع	هدف اجرا
	مومنان	اصلاح میان دو طایفه و مردم	اصلاح میان مردم به

سوره آیه	متن قرآن / معنا، هم‌نشین‌ها و ابعاد		
	عدل		
نساء ۳	وَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُقْسِطُوا فِي الْيَتَامَىٰ فَانكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مِمَّنْىَ وَثَلَاثٌ وَرُبَاعٌ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةٌ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَلَّا تَعُولُوا		
	هدف اجرا	موضوع	فاعل
	رعایت حقوق همسران	رعایت حقوق همسران	مسلمانان
شوری ۱۵	فَلِذَلِكَ فَادَعُ ۖ وَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ وَقُلْ آمَنْتُ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنْ كِتَابٍ وَأُمِرْتُ لِأَعْدِلَ بَيْنَكُمُ اللَّهُ رَبُّنَا وَرَبُّكُمْ لَنَا أَعْمَالُنَا وَلَكُمْ أَعْمَالُكُمْ لَا حُجَّةَ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمُ اللَّهُ يَجْمَعُ بَيْنَنَا وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ		
	هدف اجرا	موضوع	فاعل
		عدالت بین مردم	پیامبر
نساء ۱۲۹	وَلَنْ تَسْتَطِيعُوا أَنْ تَعْدِلُوا بَيْنَ النِّسَاءِ وَلَوْ حَرَصْتُمْ فَلَا تَمِيلُوا كُلَّ الْمِيلِ فَتَذَرُوهَا كَالْمُعَلَّقَةِ وَإِنْ تُصْلِحُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا		
	هدف اجرا	موضوع	فاعل
	دادن حق همسران	عدالت میان همسران	مسلمانان
نساء ۱۳۵	يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَلَوْ عَلَىٰ أَنْفُسِكُمْ أَوِ الْوَالِدَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ إِنْ يَكُنْ غَنِيًّا أَوْ فَقِيرًا فَاللَّهُ أَوْلَىٰ بِهِمَا فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدِلُوا وَإِنْ تَلَوْا أَوْ نَعَرَضُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا		
	هدف اجرا	موضوع	فاعل
	تحقق حقوق دیگران	شهادت به قسط	مومنان
أنعام ۱۵۲	وَلَا تَقْرِبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ حَتَّىٰ يَبْلُغَ أَشُدَّهُ وَأَوْفُوا بِالْكَيْلِ وَالْمِيزَانِ بِالْقِسْطِ لَا نَكْلَفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا وَإِذَا قُلْتُمْ فَاعْدِلُوا وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَىٰ وَبِعَهْدِ اللَّهِ أَوْفُوا ذَلِكُمْ وَصَاكُم بِهِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ		
	هدف اجرا	موضوع	فاعل
	تحقق حق دیگران	سخن گفتن و شهادت به عدل	مسلمانان
بقره ۲۸۲	يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا تَدَايَنْتُمْ بِدِينٍ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى فَاكْتُبُوهُ وَلْيَكْتُبَ بَيْنَكُمْ كَاتِبٌ بِالْعَدْلِ وَلَا يَأْبَ كَاتِبٌ أَنْ يَكْتُبَ كَمَا عَلَّمَهُ اللَّهُ فَلْيَكْتُبْ وَلْيَمْلِكِ الَّذِي عَلَيْهِ الْحَقُّ وَلْيَتَّقِ اللَّهَ رَبَّهُ وَلَا يَبْخَسَ مِنْهُ شَيْئًا فَإِنْ كَانَ الَّذِي عَلَيْهِ الْحَقُّ سَفِيهًا أَوْ ضَعِيفًا أَوْ لَا يَسْتَطِيعُ أَنْ يُمِلَّ هُوَ فَلْيَمْلِكْ وَلِيُّهُ بِالْعَدْلِ وَاسْتَشْهِدُوا شَهِيدَيْنِ مِنْ رِجَالِكُمْ فَإِنْ لَمْ يَكُونَا رَجُلَيْنِ فَرَجُلٌ وَامْرَأَتَانِ مِمَّنْ تَرْضَوْنَ مِنَ الشُّهَدَاءِ أَنْ تَضِلَّ إِحْدَاهُمَا فَتُذَكَّرَ إِحْدَاهُمَا الْأُخْرَىٰ وَلَا يَأْبَ الشُّهَدَاءُ إِذَا مَا دُعُوا وَلَا تَسْأَمُوا أَنْ تَكْتُبُوهُ صَغِيرًا أَوْ كَبِيرًا إِلَىٰ أَجَلِهِ ذَلِكُمْ أَقْسَطُ عِنْدَ اللَّهِ وَأَقْوَمُ لِلشَّهَادَةِ وَأَدْنَىٰ أَلَّا تَرْتَابُوا إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً حَاضِرَةً تُدِيرُونَهَا بَيْنَكُمْ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَلَّا تَكْتُبُوهَا وَأَشْهِدُوا إِذَا تَبَايَعْتُمْ وَلَا يُضَارَّ كَاتِبٌ وَلَا شَهِيدٌ وَإِنْ تَفَعَّلُوا فَإِنَّهُ		

سوره آیه	متن قرآن / معنا، هم‌نشین‌ها و ابعاد		
	فُسُوقٌ بِكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَيُعَلِّمُكُمُ اللَّهُ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ		
	فاعل	موضوع	هدف‌اجرا
	مومنان	نوشتن قرارداد، دیکته کردن متن توافق، شهادت	احقاق حق در نوشتن قرارداد
أنعام ۱۱۵	و تَمَّتْ كَلِمَةُ رَبِّكَ صِدْقًا وَعَدْلًا لَا مُبَدِّلَ لِكَلِمِهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ		
	فاعل	موضوع	هدف‌اجرا
	خدا	سخن خدا	

منبع: یافته‌های پژوهش

۷. تحلیل مقایسه‌ای ابعاد عدالت قرآنی و عدالت اجتماعی و علت‌های خطای برداشت

برپایه آنچه از قرآن استخراج شد به صورت روشن می‌توان گفت موضوع‌های مختلفی از رفتار انسانی می‌تواند به صفت عدالت برجسته شود. در هر رفتار و کرداری که انسان با تصمیم‌گیری مرتبط با حق دیگران روبرو است عدالت، موضوعیت پیدا می‌کند. از مهمترین اینها دادن حقوقی از افراد که اختیار آن دست یک فرد مشخص است و یا دادن شهادت و صدور حکم درباره حق دیگران است. در برابر این هنگامی که به تعریف‌ها. گفتمان عدالت اجتماعی رایج در اندیشه اندیشمندان معاصر نگاه می‌کنیم از سوسیالیست‌های اولیه تا سوسیال لیبرال‌ها و دیگران موضوع اصلی عدالت اجتماعی، توزیع منافع اقتصادی، درآمدها و فرصت‌ها است.

همچنین هنگامی که به هدف رفتار عادلانه و عدالت در قرآن نگاه شود به صورت روشن هدف رعایت و رسیدن حق افراد برجسته است. در حالی‌که در عدالت اجتماعی در گفتمان رایج، برابری منافع هدف اصلی است و مخالفان آن نیز منکر عدالت اجتماعی می‌شوند.

در زمینه فاعل عدالت در قرآن، به صورت روشن خدا و هر انسانی می‌تواند فاعل قرار گیرد. و هیچ جایی حکومت و دولت به عنوان فاعل مطرح نشده است. به آسانی می‌توان این را دریافت که دین با افراد سروکار دارد و خطاب دین هیچگاه حکومت‌ها و دولت‌ها نبوده است و اگر هم به حاکم خطابی دارد به شخص او نه منصب حکومتی او است. در برابر این، فاعل عدالت اجتماعی که قرار است ترتیباتی در جامعه حاکم کند تا درآمد عده‌ای کاهش بیابد و درآمد دیگری افزایش بیابد، جز دولت و حکومت چیز دیگری نمی‌تواند باشد. نکته مهمتر اینکه خدا در قرآن هیچ جایی دستوری

برای گرفتن و دادن اجباری و قانونی درآمد افراد و به طور کلی هرگونه دخالتی در سازوکارهای بازاری قیمت‌ها (از جمله دستمزد) ارایه نکرده است که در برابر آن به آزادی کلی و آزادی اقتصادی نیز تاکید دارد.

جدول ۲. مقایسه ابعاد عدالت اجتماعی با نگاه رایج و عدالت قرانی

ابعاد	عدالت در قران	عدالت اجتماعی
موضوع	رعایت حقوق مالی و اقتصادی دیگران (مانند همسران و یتیمان)، شهادت دادن، دادن حکم برای جزای کار حرام، آفرینش انسان، اصلاح بین دو طایفه، حکم میان مردم، نوشتن قرارداد و سخن گفتن	توزیع منافع/ فرصت‌ها/ درآمد
هدف / پیامد	رسیدن حق به صاحب آن (کسی که آن را به دست آورده است)	برابری منافع و فرصت‌ها
فاعل	خدا، پیامبر یا هر فرد دیگر (مومن، مسلمان و ...)	دولت/ حکومت

منبع: یافته‌های پژوهش

یک نکته مهم در این زمینه این است که چرا در برداشت عدالت در اسلام این‌گونه خطاها رخ می‌دهد. در این زمینه در متن‌های مختلف، واژه‌شناسان و متخصصان ۵ خطای برداشت را در زمینه قران بیشتر رایج دانسته‌اند که به نظر می‌رسد در زمینه برداشت از عدالت و عدالت اجتماعی نیز وجود دارد.

۱. **تطورپذیری:** ممکن است اصطلاحات در طول زمان تغییر معنا دهند. اگر به این تغییر دقت نکنیم ممکن است یک معنای کهنه را که امروز رایج نیست به کار ببریم یا اینکه معنای امروزی را به عنوان معنای قرانی به کار ببریم. عدالت اجتماعی یک معنای امروزی است که در زمان نزول قران با این مفهوم وجود نداشته است.

۲. **خودکار شدگی:** از آنجایی که اصطلاحات علمی بسیاری به صورت مشترک توسط اندیشمندان به کار گرفته می‌شود، به مرور زمان این اصطلاحات، در ذهن افراد معنایی منجمد پیدا می‌کنند. این معنای منجمدشده از دو سو موجب اختلال در فهم می‌شود: اول اینکه موجب غفلت از ظرایف، زوایا و ابعاد جامع مفهوم می‌شود و دوم آنکه باعث اظهار نظری به روز نشده از مفهوم می‌گردد. در زمینه عدالت اجتماعی این مفهوم به خوبی دیده می‌شود که قران پژوهان از واژه رایج عدالت اجتماعی استفاده می‌کنند ولی معنایی غیر از معنای رایج را در نظر دارند. علت آن هم غفلت از ظرایف معنای عدالت اجتماعی امروزی است و هم مفهوم به روز نشده عدالت در آن مشهود است.

۳. پیچیدگی: برخی از اصطلاحات به سبب آنکه در پرتو مساله‌ای پیچیده شکل گرفته‌اند و یا در پی ارایه مرزهایی باریک میان دو یا چند امر شبیه به هم هستند، حتی برای اهالی دانشی که اصطلاح در آن حوزه شکل گرفته است نیز پیچیده و سخت فهم است. از این رو حتی برخی متخصصان در مواجهه با این مفهوم‌های پیچیده به سبب غفلت از زمینه‌های پیچیدگی، دچار بدفهمی می‌شوند. فهم از دو سو بد می‌شود: یکی فهم اشتباه و دیگری انعکاس ناقص مفهوم. مفهوم عدالت و نیز عدالت اجتماعی بسیار پیچیده است به گونه‌ای که بسیاری از قران پژوهان در برداشت عدالت در قران و عدالت اجتماعی به اشتباه‌های بزرگی دچار شده‌اند.

۴. اشتراک: دو نوع اشتراک لفظی و اشتراک معنایی داریم. واژه عدل چند معنا دارد که یکی از آنها عدالت است. در اینجا اشتراک لفظ موجب می‌شود عدالت را به معناهای دیگر واژه عدل برداشت کنند. برای نمونه خسروپناه و همکاران چنین بیان می‌کنند عدالت در قران به معنای: رعایت تساوی، رعایت استحقاق و اهلیت، صداقت یا عمل مطابق با واقع، رعایت انصاف در صلح و آشتی دادن در چارچوب قوانین الهی، دوری از افراط و تفریط، قرار گرفتن هر چیز در جایگاه مناسب، رعایت مصالح و مفاسد واقعی و رعایت قانون حق آمده است. برداشت از عدالت به معنای مساوات و برابری به ویژه در درآمد، خطایی است که از این مبنا ناشی شده است.

۵. تفاوت‌های گفتمانی: از منظر فلسفه علمی گفتمان یک علم روح حاکم بر آن علم تلقی می‌شود، به همین علت همواره باید مفاهیم موجود در علوم مختلف را بر اساس گفتمان مسلط بر آنها درک نمود. بی توجهی به گفتمان یک دانش باعث فهم وارونه و ناستوار می‌شود، که نمونه روشن آن خطای در برداشت مفهوم عدالت اجتماعی در دانش رایج اقتصاد و علوم اجتماعی امروزی به ویژه نزد اندیشمندان علوم اسلامی است.

۶. جزم‌گرایی اعتقادی. افزون بر خطاهای ساختاری که در متن‌های مختلف وجود دارد. جزم‌گرایی اعتقادی و تمایل به اینکه بگوییم اسلام به همه موضوع‌ها پرداخته است و نیز تمایل به اینکه هر چیزی را ما یا گروهی خوب بپندارند به اسلام نسبت بدهیم نیز در این زمینه بی اثر نبوده است.

۸. جمع بندی

بر پایه آنچه بیان شد و با توجه به همه آیه‌های قران می‌توان گفت عدالت به معنای اصلی آن یک ویژگی اخلاقی برای رفتارهای فرد انسان است که در عمل به صورت رفتار خدا و انسان‌ها با دیگران به شکلی که حقوق آنها رعایت شود، ظاهر می‌شود.

می‌توان گفت آنچه به عنوان عدالت اجتماعی در ۳ سده اخیر شکل گرفته است، به وضوح با آنچه در قرآن به عنوان عدالت مطرح شده است متفاوت است.

براین پایه در بحث عدالت نمی‌توانیم با دیدگاه قرانی عدالت اجتماعی رایج را بپذیریم. ما باید عدالت به مفهوم قرانی را که می‌تواند تنها عدالت با مبنای رعایت حقوق همه نامیده شود، معیار بگیریم و در چارچوب آزادی اقتصادی به قوانین، مقررات، مدیران و دست‌اندرکاران اداره جامعه تعمیم بدهیم و آنگاه آن را در رفتار مردم و نیز دولت‌مردان قانونمند و قاعده‌مند کنیم. با تعمق در قرآن درمی‌یابیم که عدالت اجتماعی با برداشت رایج که دخالت در توزیع و تغییر حقوق طبیعی و بازاری افراد است مردود دانسته می‌شود.

احتمالاً می‌توانیم عدالت با مبنای احقاق حقوق همگان را در ساختارهای اجتماع نهادینه کنیم. شاید بتوان این را یک عدالت رویه‌ای ولی در چارچوبی غیر از عدالت اجتماعی رایج بدانیم. آن هم نه برای تغییر توزیع درآمدها یا خیرات جامعه، که برای محافظت از خیرات به دست آمده بر پایه روش‌های درست و قانونی و در چارچوب یک اقتصاد آزاد و مبتنی بر توانایی‌ها و فرصت‌های قانونی افراد، یعنی رویه‌ای در چارچوب حقوق پایه و طبیعی انسانی مانند آزادی و برابری انسانی همه آحاد جامعه و ارج نهادن به حاصل تلاش همه افراد جامعه است.

منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه‌های الهی قمش‌های و المیزان.
۲. اسکی، محمد شفیق، جهانگیر ولدبیگی و شاهرخ سالاریان (۱۳۹۹) تحلیل حق، عدالت و مسئولیت اجتماعی در آموزه‌های قرآنی، مطالعات تاریخ و تمدن ایران و اسلام، دوره پنجم، شماره ۳، صص ۶۹-۸۴.
۳. آقابخشی، علی و افشاری راد، مینو (۱۳۷۴). فرهنگ علوم سیاسی. تهران: مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران.
۴. حسینی، سیدرضا (۱۳۹۰) مفهوم و ماهیت عدالت اجتماعی با رویکرد اسلامی، اقتصاد اسلامی، شماره ۴۴، صص ۵-۳۰.
۵. خوش‌فر، محسن و رحمانی، راحله (۱۴۰۰) الگوی عدل الهی با تکیه بر تفاسیر المیزان و اطیب البیان، نشریه تحقیقات کلامی، شماره ۳۳، صص ۴۱-۵۷.
۶. طباطبایی، محمد حسین (۱۳۸۳) تفسیر المیزان، ترجمه سیدمجمدباقر موسوی همدانی، پایگاه جامع قرآن نور.
۷. عربشاهی کریزی، احمد (۱۳۹۵) بررسی عدالت در قرآن کریم در سه محور، 312- فصلنامه مطالعات قرآنی، سال هفتم، شماره ۸۲، صص ۱۰۹-۱۳۲.
۸. عربی، سیدهادی (۱۳۹۵) نظریات عدالت توزیعی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۹. عزتی، مرتضی (۱۳۹۳) تدوین شاخص ترکیبی عدالت بر پایه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و سنجش آن طی یک دوره هشت ساله، راهبرد اقتصادی، سال ۳، شماره ۱۰، صص ۲۴۱-۲۰۵.
۱۰. عزتی، مرتضی (۱۴۰۳) عدالت در قرآن و ابعاد اقتصادی آن، اقتصاد و بانکداری اسلامی، شماره ۴۷، صص ۱۱۱-۱۴۲.
۱۱. عزتی، مرتضی (۱۴۰۳) قسط در قرآن و ابعاد اقتصادی آن، اقتصاد اسلامی، سال ۲۴، شماره ۹۴، صص ۳۱-۵۷.
۱۲. غنی‌نژاد، موسی (۱۳۷۹) عدالت، عدالت اجتماعی و اقتصاد، فصلنامه تامین اجتماعی، سال ۲، شماره ۳، صص ۹-۲۲.

۱۳. فخرزاع، سید حسین (۱۳۹۸) عدالت اجتماعی در قرآن، اسلام و مطالعات اجتماعی، سال ۷، شماره ۲، (پیاپی ۲۶) صص ۷-۲۸.
۱۴. قاسم‌پور راوندی، محسن، مهدوی راد، محمدعلی و محمودپور قمصر، شیما (۱۴۰۱) بررسی آرای مفسران درباره مفهوم و گستره عدالت اجتماعی با تأکید بر آیه ۵۲ سوره حدید، نامه معارف قرآنی، سال ۱۳، شماره ۴۸، صص ۱-۲۹.
۱۵. لشکری، علیرضا (۱۳۹۴) مبانی عدالت اجتماعی در اسلام، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۱۶. لینچ، کوین (۱۳۷۶) تئوری شکل خوب شهر. ترجمه سید حسین بحرینی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۷. مطهری، مرتضی (۱۳۵۷) عدل الهی، تهران: صدرا
۱۸. مطهری، مرتضی (۱۴۰۳) بررسی اجمالی مبانی اقتصاد اسلامی، تهران: حکمت.
۱۹. هاشمی تنکابنی، سید موسی ۱۳۹۸ مرور تاریخی نظریه‌های مختلف درباره عدالت و پیجویی شواهد قرآنی مؤید هر نظریه، مطالعات تاریخی قرآن و حدیث، شماره ۶۶، صص ۲۱۵-۲۴۰.
۲۰. هزار جریبی، جعفر (۱۳۹۰) بررسی احساس عدالت اجتماعی و عوامل موثر بر آن مطالعه موردی شهر تهران، جامعه شناسی کاربردی، سال بیست و دوم، شماره پیاپی (۴۳)، شماره ۳، صص ۴۱-۶۲.

